



۲۴ دسمبر ۲۰۱۶



غ. حضرت

## ما و زن و زن و ما

### "به یاد پنج زن کشته شده در میدان هوایی قندهار"

تعریف انسان به اندازه خود انسان پیچیده و ساده و عمیق و سطحی و گسترده و بلند و کوتاه میباشد، ساده ترین تعریف همانا مجموعه از تناقضات میباشد.

اینکه می گوئیم انسان پیشرفت نموده، کدام انسان، انسان امریکائی و اروپائی یا انسان بادیه نشین قرن بیست و یکمی در افریقا و آسیا و سایر جاها.

اینکه میگوئیم انسان موجود شریف است، آیا استالین و پیروانش و یا هتلر و پیروانش یا بن لادین و پیروانش یا پولپوت است چه بلا است و پیروانش غیر انسان بودند؟

یا اینکه می گوئیم علم پیشرفت نموده (طبعاً به اعتبار وجود انسان) ، در کدام ساحه؟

یگانه رسالت علم باید تأمین امنیت جانی و مالی و اقتصادی و صحتی و محیط زیستی و... باشد، آیا امروز با وجود پنداشت پیشرفت علم، بشریت (تمام بشریت) بهره مند میباشد؟ چند فیصد مردم جهان از داشتن دسترخوان مناسب و ابرومندانه بر خوردار میباشد؟ در حالیکه بنظر میرسد با احتساب امکانات موجود، دوازده میلیارد انسان یا بیشتر میتوانند از نعمت داشتن دسترخوان رنگین برخوردار باشند.

بنابا توجه به صحنه فوق، اتفاق نظر به تعریف واحد انسان کمی مشکل بنظر میرسد، با اینهم هر انسان در هر موقف که هست میتواند برای خود تعریف از خود داشته باشد و تفسیر تعریف هر یک از آنها کاملاً درست است.

حس که در بین تمام انسانها مشترک است همانا حس لذت بردن است.

یک کسی از مال و ثروت شخصی و مشروع خود، فالوده و مالیده و حلوا و نان درست کرده و در بین فقراء تقسیم میکند و ازین کار خود لذت میبرد، یک کسی در صورت قادر بودن دیگ میگ این حلوا را اگر توانست دزدیده و با خود میبرد و از این کار خود لذت میبرد حتی اگر روی مجبوریت هم این کار میکند باز از رفع احتیاج خود لذت میبرد، یک کسی منحصی مدیر یا مامور بانک از شغل خود لذت میبرد، یک کسی از سرقت مسلحانه همین بانک لذت میبرد. خلاصه هر انسان مسیر زندگی خود را خودش ایجاد و تفسیر میکند که هدف غائی آن لذت بردن میباشد، حتی بعضاً اقدام به خود کُشی نیز یک نوع لذت بردن است و کشتن دیگران اگر لذت نباشد حد اقل نتیجه قتل، یک لذت بخشی میباشد.

### و اما آغاز سخن اصلی:

از روزیکه یاد ما می آید همین انسان بوده ایم، که البته زیاد هم نیاز به حلاجی فلسفه چگونگی خلقت خود نداریم، فلسفه خلقت ما هر چه بوده ما را از انجام مأموریت و رسالت انسانی خود باز نمیدارد. آنروز نیز درست یاد ما نیست که کی و چگونه دارای زوج و زوجه شدیم. زیاد وقت شده که میشنویم، مادر، زن، دختر.

بهر حال اینکه میگوئیم یعنی جنس کامل، یعنی مرد و زن.

در فورمول فطری انسان، زن و مرد دو عنصر جدا نا پذیر میباشدند که البته مکمل ادامه تسلسل موجودیت انسان

میباشد. و اینکه امروز جنبش فمینیستی و همجنسگرایانه چگونه این خلاء تسلسل و تناسل را پُر میکند، ما نمیدانیم.

درین شکی نیست که در طول تاریخ بشری زن، نسبت به مرد ها از جایگاه جداگانه و مختلف برخوردار بوده، موقف

و جایگاه زنها دارای حالات متفاوت بوده، شاید در بعضی جوامع، به زن منحیث انسان درجه دو نگریده شده در

بعضی جوامع به زن، همسان با مرد نگریده شده و در بعضی جوامع حتی به زن فقط منحیث مؤلد نسل نگریده

میشد.

بهر حال هر چه بوده، گذشت، جوامع بشری امروز در اوج بلوغ و جوانی و مستی بسر میبرند، هر جامعه نظر به

ظرفیت و سنگینی و وزن همه جانبه خودش خواهان سهمگیری از سود های پیشرفت های عمومی میباشد.

قدرت های بزرگ در بعضی از معاملات خیلی نا جوانمردانه عمل میکنند و نه فقط بهای اجاره موقعیت حساس جغرافیایی ما به اندازه است که هر افغان باید از تمام امکانات زندگی مرفه برخوردار باشد، بگذریم از این چانه زدن های خیالی.

تحركات مثبتی که فرد فرد وطن ما بخاطر بهبود وضع زندگی بهتر، در عرصه های گوناگون از خود بروز داده و با جدیت تمام خواهان تحولات مثبت میباشد، یکی هم عرصه های فعالیت های اقتصادی و فرهنگی زن ها میباشد. زن های بیچاره ما از قرن ها باینطرف در حاشیه اجتماع بوده گرچه مردهای بیچاره ما نیز از حالت مطلوب برخوردار نبودند با اینهم حالات زن های ما مظلومانه بود و هنوز هم میباشد. منحيث یک انسان مکلفیت داریم که به خواسته های معقول و مشروع زن های وطن خود صادقانه گوش بگیریم (البته گوش گرفتن شنوا نه گوش گرفتن تسلیمی) تحکیم موضع زن ها از آلام و درد های اقتصادی و روحی و اجتماعی ما بشدت خواهد کاست.

اولین قدمیکه ما مردها بدون مشارکت زن ها بلی بدون کوچکترین مشارکت و مداخله زن ها باید برداریم این است که در برابر مرتجعین زمانه و مزدوران اجنبی مردانه وار بایستیم و به آنها اجازه ندهیم که این عقیده مزخرف خویشرا تعمیم و ترویج کند که گویا زن یک موجود بی حیا و از جنس شیطان میباشد، حرفیکه از دهان هیچ مصلح بزرگ منجمله پیامبر بزرگ بیرون نیامده به آنها باید فهماند که مگر شما به تجهیزات ایمان و اخوت مجهز نیستید که در مقابل حملات شیطان! ایستادگی کنید؟

من منحيث یک مرد به این حقیقت اعتراف میکنم که در میدان حیا و عفت و شرم، بسیاری از زن ها به مراتب با حیاط و با عفت تر میباشند تا بسیاری از مردها.

شاید هر مرد در درون خود نیز به این امر واقف و معترف باشد.

یک مرد اگر به یک دوشیزه یا یک بیوه چشمک مریز بزند با عکس العمل شدید زن موصوف روبرو میشود ولی اگر یک زن نا زیبا و حتی از سن گذشته و رونق افتاده به یک مرد با وقار! و صاحب زن و اولاد چشمک کجدار بزند، شرکت سهامی و آبروی مرد اگر ورشکسته نشود سالم هم نمیماند. بنأ منحيث شوهر و پدر و پسر و برادر زن باید با پذیرفتن ثبات اخلاقی و انسانی آنها(زنها) شرایط رشد همه جانبه را به آنها مهیا و آنها را پشتیبانی کنیم تا پروسه سرعت پیشرفت اجتماعی ما هر چند ناچیز تکمیل گردد.

## و اما اصل موضوع:

چند روز پیش پنج تن از کارکنان زن میدان هوایی قندهار یا کندهار بعد از ختم وظیفه در راه برگشت به خانه هایشان، در جاده بین شهر و میدان از موتر پیاده و از طرف اشخاص نا معلوم ظالمانه و ناجوانمردانه به قتل رسیدند که به کلکسیون غم های مردم و خانواده آن عزیزان افزوده شد. ما ضمن الطاف دعا به روان پاک این جان باختگان، بر قاتلین این جنایت و نوکران بین المللی آنها نفرین ابدی می فرستیم.

در یکی از سایت های افغان ها یک هموطن عزیز ضمن بررسی این موضوع یاد آوری نموده که اقدام این قتل احتمالاً توسط قاچاقبران مواد مخدر یا جواهرات و پول نقد صورت گرفته باشد زیرا این زنها در قسمت تلاشی اجناس مسافری به فعالیت مشغول بودند.

تحلیل این عزیز شاید قابل رد و تشکیک نباشد اما دلایل عقلی ایکه دال بر دست داشتن عناصر ضد زن، میباشند نیز قابل توجه میباشد.

با توجه به ترویج و گسترده شدن فساد اداری، اولاً قاچاقبران میتوانستند با تطمیع و پرداخت رشوه به این زنها مظلوم، مشکل خود را حل کند و ثانیاً در قسمت تلاشی فقط همین پنج زن نبودند که مثلاً یکس های فلان قاچاقبر را کنترل و تلاشی میکرد بلکه پرسونل دیگر نیز مامور این کار بودند و ثالثاً با توجه به وضعیت امنیتی میدان های هوایی ما، هر مسافریکه از کشور ما به هر نقطه از جهان پرواز کند در آنجا سخت مورد تلاشی و بررسی دقیق قرار میگیرد، بنأ میتوان اطمینان داشت که این کار یعنی کشتن این زنها معصوم کار حلقه های مزدور و مرتجع همچو طالب میباشد. البته نکته مهمتر این است که اهمیت شناسائی قاتلین و چگونگی و وابستگی و انگیزه کشتن آن در درجه دووم محسوب میگردد، در درجه اول آنچه که دلخراش و رنج آور است، زن بودن این کارکنان میباشد. کشتن هر انسان بیگناه هر که باشد و توسط هر که باشد باعث خشم و عجله شعله های جهنم میشود بخصوص اینکه قربانی یک جنایت، زن ها یا اطفال یا سالخوردهگان باشند. یاد این جان باخته گان گرمی باد. امید داریم اینگونه اقدامات بُزدلانه موجب تضعیف روحیه و مواضع فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی زنها نشود و آنها بیش از پیش در اخذ جرئت و شهامت شانه به شانه با برادران خود به ایجاد زندگی بهتر بپردازند. پایان